



دوشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۵

وطن امروز | شماره ۶۶۹۶

صفحه آخر

پیامبر اعظم (ع)

به کودکان محبت کنید و به آنها رحم کنید و هرقوت به آنها وعده دادید به آن وفا کنید. چون آنها شما را روزی رسان خود می‌دانند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سرمدیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۴ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیام‌رسان: @vatanemrooz بست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: ایران کهن توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



گزارش «وطن امروز» از رفتار متفاوت چین، عراق، ترکیه، هند و امارات در برابر تحریم‌های ثانویه آمریکا

نقشه مقاومت تجاری ایران



گروه اقتصادی: تحریم‌های تازه آمریکا علیه ایران، یک بار دیگر پرسشی قدیمی را با صورتی تازه در نهادهای فکری و رسانه‌ای طرح کرده است: شرکای اقتصادی ایران تا کجا حاضرند در کنار ایران بمانند و از کجا به بعد، هزینه فشار آمریکا را برای خود بیش از فایده ادامه همکاری می‌بینند؟ البته پاسخ این پرسش برای همه کشورها یکسان نیست. چین با عراق فرق دارد، ترکیه با هند یک مساله متفاوت دارد و امارات نیز داستان خاص خود را دارد. برخی از این کشورها به منابع انرژی ایران نیاز دارند، برخی ایران را بخشی از نقشه بزرگ‌تر منافع خود می‌بینند و بعضی نیز با وجود سود تجاری، نمی‌خواهند رابطه‌شان با آمریکا و نظام مالی غرب را به خطر بیندازند.

آمریکا اعلام کرده است هر کشوری میان ایران و آمریکا باید یکی را انتخاب کند اما همه کشورها به یک اندازه در برابر این انتخاب آسیب‌پذیر نیستند. هر چه تجارت یک کشور با ایران برای خودش مهم‌تر باشد و هر چه آن کشور قدرت اقتصادی و سیاسی بیشتری داشته باشد، توان آمریکا برای تحمیل اراده خود کمتر می‌شود. ۵ شریک مهم ایران، امروز هر کدام در نقطه متفاوتی از این نقشه ایستاده‌اند.

■ چین و آزمون بزرگ

اگر قرار باشد یک کشور سرنوشت تحریم‌های جدید آمریکا را تا حد زیادی تعیین کند، آن کشور چین است. چین همچنان مهم‌ترین خریدار نفت ایران است. برآوردهای تازه نشان می‌دهد بخش بزرگی از نفت صادراتی ایران سرانجام راه بازار چین را پیدا می‌کند و این کشور در سال‌های اخیر عملاً ستون اصلی بازار نفت ایران بوده است. صادرات ایران به چین در مقطعی از ابتدای سال جاری تا حدود ۱.۵۸ میلیون بشکه در روز رسید، هر چند فشارهای اخیر و اختلال‌های منطقه‌ای باعث شد این رقم در ماه آگوست به حدود ۵۳۴ هزار بشکه در روز کاهش یابد؛ رقمی که نسبت به ۸۲۳ هزار بشکه در ژوئیه نیز افت محسوسی داشت.

این افت البته به معنای فاصله گرفتن رابطه نفتی ایران و چین نیست. تجارت دو کشور طی سال‌های گذشته کم‌کم خود را با فضای تحریم وفق داده است. پالایشگاه‌های مستقل چین، شرکت‌های واسطه و استفاده گسترده‌تر از پول ملی چین، بخشی از سازوکارهایی بوده که تجارت نفتی ایران را از مسیر رسمی و شفاف گذشته دور کرده است.

آمریکا بارها سراغ شرکت‌ها و پالایشگاه‌های چینی رفته است و این بار نیز شماری از شرکت‌های چینی و هنگ‌کنگی در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند. اما تفاوت مهم میان تحریم یک شرکت و تحریم یک بانک بزرگ چینی است. اولی ممکن است چند مسیر تجاری را ببندد. دومی می‌تواند به مساله‌ای در روابط دو اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شود.

به همین دلیل است که آمریکا فعلاً با احتیاط حرکت می‌کند. دولت ترامپ در حالی فشار بر ایران و شبکه تجاری آن را افزایش داده که روابط واشنگتن و پکن خود مجموعه‌ای از اختلاف‌ها و بده‌بستان‌های پیچیده را دربر می‌گیرد. تحریم مستقیم یک بانک بزرگ چینی می‌تواند پاسخی اقتصادی و سیاسی از سوی پکن به دنبال داشته باشد و مساله را از پرونده ایران به یک رویارویی وسیع‌تر میان آمریکا و چین تبدیل کند.

موضع رسمی چین نیز در روزهای اخیر روشن بوده است. سخنگوی وزارت خارجه چین تأکید کرده فشار و تحریم راه‌حل مساله ایران نیست و چین همکاری‌های مشروع خود را در چارچوب حقوق بین‌الملل دنبال می‌کند. پس از دور از اختلاف‌ها و بده‌بستان‌های پیچیده را دربر می‌گیرد. تحریم مستقیم یک بانک بزرگ چینی می‌تواند پاسخی اقتصادی و سیاسی از سوی پکن به دنبال داشته باشد و مساله را از پرونده ایران به یک رویارویی وسیع‌تر میان آمریکا و چین تبدیل کند.

چین معمولاً سیاستی حسابگرانه دارد ولی انتظار اینکه این کشور به دستور واشنگتن تمام روابط اقتصادی مهم خود با ایران را قطع کند، با واقعیت روابط دو کشور و منافع راهبردی پکن سازگار نیست. برای ایران هم این نکته مهم است که چین متحدی نیست که بتوان روی رفتار احساسی یا سیاسی آن حساب باز کرد. اما دقیقاً به همین دلیل، اگر ادامه همکاری با ایران با منافع اقتصادی و راهبردی پکن گره بخورد، فشار خارجی به تنهایی نمی‌تواند این رابطه را به سادگی از میان ببرد.

■ عراق و مساله برق

داستان عراق اما جنس دیگری دارد. چین اگر ایران را در مقیاس بازار جهانی می‌بیند، عراق با مساله‌ای بسیار

ملموس‌تر روبه‌رو است: برق خانه‌ها و سوخت نیروگاه‌ها. گاز ایران سال‌ها بخشی مهم از نیاز نیروگاه‌های عراق را تأمین کرده است. برآورد نهادهای انرژی نشان می‌دهد گاز ایران در دوره‌های مختلف بیش از ۳۰ درصد برق تولیدی عراق را پشتیبانی کرده و در شرایط اوج وابستگی، نقش آن به حدود ۴۰ تا ۶۰ درصد نیاز بخش برق رسیده است. عراق البته تلاش کرده این وابستگی را کاهش دهد؛ اتصال شبکه برق به کشورهای همسایه، برنامه واردات برق از ترکیه و اردن، همکاری با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و توسعه ظرفیت‌های داخلی، همه بخشی از این مسیر است. اما ساختن نیروگاه و کشیدن خط انتقال، شبیه عوض کردن یک فروشنده در بازار نیست و سال‌ها زمان، میلیاردها دلار سرمایه و ثبات سیاسی لازم دارد.

به همین علت فشار آمریکا بر رابطه انرژی ایران و عراق، دولت عراق را در موقعیتی دشوار قرار می‌دهد. آمریکا می‌تواند بگوید وابستگی به ایران را کم کنید اما اگر جایگزین آماده نباشد، نتیجه این تصمیم ممکن است در گرمای تابستان خود را به شکل خاموشی نشان دهد. رخدادهای ماه‌های گذشته نیز این آسیب‌پذیری را آشکار کرده است. کاهش یا توقف گاز ایران، بخشی از ظرفیت تولید برق عراق را از مدار خارج کرد و مقام‌های عراقی ناچار شدند برای جبران کمبود، به سوخت‌های جایگزین روی آورند.

بنابراین بعید است عراق بتواند با یک فرمان سیاسی، رابطه انرژی خود با ایران را کاملاً قطع کند. عراق احتمالاً مانند گذشته تلاش خواهد کرد میان فشار آمریکا و نیازهای داخلی خود تعادل برقرار کند. یعنی کاهش تدریجی وابستگی، تلاش برای گرفتن فرصت و معافیت و در عین حال حفظ آن بخش از ارتباط با ایران که هنوز برای اقتصاد و ثبات اجتماعی عراق ضروری است.

این رفتار شاید از بیرون دودلانه به نظر برسد اما برای عراق نوعی اجبار جغرافیایی و اقتصادی است. ایران همسایه‌ای نیست که بتوان آن را از نقشه حذف کرد و یژه در حال حاضر که به واسطه جنگ اخیر، همکاری‌های راهبردی ایران و عراق بیش از هر زمان دیگری ضروری شده است.

■ ترکیه و هزینه جایگزین

ترکیه از نظر اقتصادی توانایی بیشتری برای جایگزین کردن انرژی ایران دارد اما جایگزینی پرهزینه خواهد داشت. واردات گاز ترکیه از ایران در نیمه نخست سال ۲۰۲۶ به حدود ۴.۵ میلیارد مترمکعب رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافت. این میزان نشان می‌دهد با وجود تلاش‌های ترکیه برای متنوع کردن منابع انرژی، گاز ایران همچنان در معادله انرژی ترکیه حضور دارد.

قرارداد بلندمدت خرید گاز میان دو کشور در پایان

ژوئیه ۲۰۲۶ به پایان رسیده و شرایط جنگی و آشفته‌گی منطقه، مذاکره برای توافقی تازه را دشوار کرده است. ترکیه در مقایسه با ۲ دهه پیش وابستگی کمتری به ایران دارد. واردات از روسیه و جمهوری آذربایجان، افزایش ظرفیت گاز طبیعی مایع‌شده و توسعه پایانه‌های جدید، دست ترکیه را بازتر کرده است.

ترکیه امانتی‌تواند واقعیت جغرافیای را نادیده بگیرد. گاز ایران از طریق خط لوله مستقیم به بخش‌های شرقی ترکیه می‌رسد و جایگزین کردن آن در این مناطق همیشه ساده و ارزان نیست. ترکیه ممکن است بتواند گاز ایران را کنار بگذارد ولی احتمالاً باید هزینه بسیار بیشتری بپردازد.

از این رو رفتار ترکیه در برابر تحریم‌های آمریکا احتمالاً نه اطاعت کامل خواهد بود و نه مقابله آشکار. تجربه گذشته نشان می‌دهد ترکیه استاد حرکت در منطقه خاکستری است. بخشی از فشارها را مدیریت می‌کند، مسیرهای کم‌خطرتر را حفظ می‌کند و می‌کوشد هم‌زمان رابطه‌اش با ایران و آمریکا را حفظ کند.

برای ایران، ترکیه شریک راهبردی به معنای سیاسی و نظامی متعارف نیست اما یک همسایه بزرگ با اقتصادی به‌شدت درهم‌تنیده با منطقه است. همین واقعیت باعث می‌شود فشار بر تجارت ایران، هزینه‌هایی برای خود ترکیه نیز ایجاد کند.

■ هند میان احتیاط و نیاز

هند امروز نسبت به گذشته فاصله بیشتری از اقتصاد ایران گرفته است. این فاصله عمدتاً محصول تحریم‌ها و فشارهای مالی سال‌های گذشته بوده است. ارزش تجارت ایران و هند در سال مالی ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۶ به حدود ۱.۶۴ میلیارد دلار رسید در حالی که در سال مالی ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹ حدود ۱۷ میلیارد دلار بود. این مقایسه به خوبی نشان می‌دهد تحریم‌ها پیش از این نیز رابطه اقتصادی دو کشور را کوچک کرده‌اند. هند در نیمه نخست ۲۰۲۶ حدود ۷۰۷ میلیون دلار نفت از ایران وارد کرده و صادرات این کشور به ایران نیز بیشتر شامل کالاهایی مانند برنج باسماتی، چای و دارو بوده است. اما مساله هند فقط رابطه مستقیم با ایران نیست، بلکه این کشور یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی جهان است و بخش بزرگی از نفت مورد نیاز خود را وارد می‌کند. هر اختلال در منطقه و هر جهش در قیمت انرژی، برای اقتصاد هند هزینه دارد.

به همین دلیل، هند میان دو ملاحظه حرکت می‌کند؛ از یک طرف رابطه گسترده با آمریکا و نیاز به دسترسی به فناوری و سرمایه جهانی برای هند اهمیت زیادی دارد و از سوی دیگر، این کشور نمی‌خواهد ایران را به طور کامل از نقشه اقتصادی و ژئوپلیتیک خود حذف کند، بویژه آنکه

مسیرهای ارتباطی منطقه‌ای و منافع هند در آسیای مرکزی و اقیانوس هند، ایران را برای دهلی‌نو به کشوری بی‌اهمیت تبدیل نمی‌کند.

پس احتمالاً هند در برابر تحریم‌ها محتاط‌تر از چین عمل خواهد کرد اما این احتیاط لزوماً به معنای بریدن کامل رابطه نیست. تجربه سال‌های گذشته نشان داده هند هرگاه هزینه سیاسی و مالی همکاری با ایران بالا رفته، تجارت را کاهش داده و هر زمان روزه‌ای برای همکاری باز شده، بخشی از روابط اقتصادی دوباره فعال شده است.

■ امارات و مسیری که بسته شد

امارات شاید متفاوت‌ترین مورد در میان این ۵ کشور باشد، زیرا نقش آن برای ایران فقط یک بازار نبود. این کشور و بویژه دبی، طی دهه‌های یکی از دروازه‌های مهم تجارت ایران با جهان بود. واردات، صادرات، مجدد، حمل‌ونقل، خدمات مالی و شبکه گسترده بازرگانان ایرانی همه در این رابطه نقش داشتند. برآوردها نشان می‌دهد امارات در سال ۲۰۲۴ حدود ۲۱ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرده بود؛ رقمی که آن را در شمار مهم‌ترین تأمین‌کنندگان کالا برای بازار ایران قرار می‌داد. رخدادهای اخیر منطقه اما این معادله را به‌شدت تغییر داده است. امارات اخیراً اعلام کرد همه تعاملات تجاری و مالی خود با ایران را متوقف می‌کند و این تصمیم را به تهدیدهای امنیتی و حملات موشکی نسبت داد. این کشور دست‌کم در شرایط فعلی بیش از دیگر شرکای مورد بحث، در مسیر فاصله گرفتن از اقتصاد ایران قرار گرفته است. این تصمیم ریسک تحریم‌های ثانویه آمریکا را برای شرکت‌های اماراتی کاهش می‌دهد اما هزینه آن نیز اندک نیست. تجارت ایران و امارات طی سال‌های طولانی برای بسیاری از بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی ۲ طرف سودآور بوده است. به همین دلیل است که رفتار شیخ‌نشینان امارات با ایران جدای از سیاست‌های رسمی این کشور است.

برای ایران مهم‌ترین درس این اتفاق، ضرورت کاهش تمرکز بر یک مسیر تجاری است. اقتصادی که بخش بزرگی از واردات، صادرات مجدد و خدمات مالی خود را از یک گره منطقه‌ای عبور می‌دهد، با بسته شدن آن گره آسیب می‌بیند. پیدا کردن مسیرهای جایگزین از طریق عمان، قطر، ترکیه، آسیای مرکزی و شبکه‌های مستقیم حمل‌ونقل، بخشی از امنیت اقتصادی کشور است که باید پی گرفته شود.

■ تحریم و مرز واقعی قدرت آمریکا

اگر این ۵ کشور را کنار هم بگذاریم، تصویر روشن‌تری شکل می‌گیرد. چین احتمالاً در برابر فشار آمریکا بیشترین مقاومت را خواهد داشت، زیرا هم قدرت اقتصادی این کار را دارد و هم همکاری با ایران را بخشی از منافع مستقل خود می‌بیند. عراق به دلیل نیاز فوری به انرژی ایران نمی‌تواند به

سادگی رابطه خود را قطع کند، هر چند برای کاهش وابستگی تلاش خواهد کرد. ترکیه راه‌های جایگزین دارد اما حاضر نیست بدون محاسبه هزینه، منافع خود را قربان کند. هند محتاط‌تر عمل می‌کند و تجارت محدود خود را زیر ذره‌بین رابطه با آمریکا تنظیم خواهد کرد. امارات نیز در شرایط فعلی از دیگران فاصله بیشتری از ایران گرفته است.

پس انتظار اینکه همه شرکای ایران یک‌صدا در برابر آمریکا بایستند شاید واقع‌بینانه نباشد. سیاست خارجی بر پایه رفاقت دائمی اداره نمی‌شود و کشورها منافع دائمی دارند اما انتظار اینکه همه این کشورها نیز فرمان آمریکا را بی‌چون و چرا اجرا کنند، با واقعیت اقتصاد و سیاست منطقه سازگار نیست. به‌علاوه که جایگاه سیاسی و امنیتی آمریکا در منطقه و شرق آسیا، پس از جنگ رمضان به‌شدت تضعیف شده است.

موضع چین در رد تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، از این جهت اهمیت ویژه‌ای دارد که نشان می‌دهد مساله ایران برای قدرت‌های بزرگ فقط یک پرونده دوجانبه نیست. پرسش بزرگ‌تر این است: آیا آمریکا می‌تواند هر نوع تجارت مشروع یا مورد نظر دیگر کشورها را با تهدید قطع دسترسی به دلار و نظام مالی خود کنترل کند؟ پاسخ بسیاری از کشورها ممکن است در حرف و عمل یکسان نباشد اما روند کلی جهان نشان می‌دهد میل به ایجاد مسیرهای مستقل مالی و تجاری و آمریکادایی از اقتصادهای خود در حال افزایش است.

■ ایران چه باید بکند

تکیه بر مقاومت شرکای خارجی، هرگز نباید جایگزین اصلاح درون اقتصاد ایران شود. هیچ شریک خارجی، حتی چین، منافع خود را برای ایران کنار نمی‌گذارد. راه درست برای ایران این است که روابط اقتصادی با کشورها را از سطح معامله‌های مقطعی به شبکه‌ای از منافع مشترک تبدیل کند. هر چه یک کشور از تجارت با ایران سود بیشتری ببرد، هزینه تبعیت از تحریم آمریکا برای آن بالاتر می‌رود. هر چه ایران بتواند در زنجیره تأمین انرژی، ترانزیت، بازار کالا و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای جای مهم‌تری پیدا کند، حذف آن دشوارتر می‌شود.

در این میان چین مهم‌ترین پشتوانه صادرات نفت است اما اتکای بیش از حد به یک خریدار نیز سیاست درستی نیست. عراق مهم‌ترین بازار انرژی منطقه‌ای است اما ایران باید هم‌زمان مساله سرمایه‌گذاری، مطالبات مالی و پایداری صادرات را حل کند. ترکیه می‌تواند پل اقتصادی مهمی باشد اما رابطه با آن نیازمند قراردادهای پایدار و رقابتی است. هند را نباید به دلیل افت تجارت کنار گذاشت و امارات نیز نباید تنها مسیر ارتباط ایران با اقتصاد جهانی باشد.

قدرت واقعی اقتصاد ایران زمانی بیشتر می‌شود که تحریم یک کشور یا بسته شدن یک بندر، نتواند شریان اصلی تجارت کشور را قطع کند. تحریم‌های جدید آمریکا آزمونی برای ایران است اما به همان اندازه آزمونی برای شرکای ایران نیز هست. هر کدام از این کشورها باید میان منافع خود و فشار واشنگتن توازن تازه‌ای پیدا کنند.

نشانه‌های نخست نشان می‌دهد نتیجه این آزمون یکسان نخواهد بود. چین احتمالاً مقاومت می‌کند، عراق ناچار به حفظ بخشی از پیوندهای خود است، ترکیه حسابگرانه رفتار خواهد کرد، هند با احتیاط پیش می‌رود و امارات فعلاً راه فاصله گرفتن را انتخاب کرده است.

نباید انتظار معجزه از هیچ شریک خارجی داشت. شریک راهبردی زمانی معنا پیدا می‌کند که منافع دو طرف چنان در هم گره بخورد که کنار گذاشتن رابطه برای هر دو پرهزینه شود. ساختن چنین رابطه‌ای، از هر بیانیه سیاسی و هر وعده دیپلماتیک ماندگارتر است. امروز آمریکا می‌کوشد با استفاده از قدرت مالی خود، حلقه تجارت ایران را تنگ‌تر کند اما سرنوشت این سیاست تنها در واشنگتن تعیین نمی‌شود؛ در پالایشگاه‌های چین، نیروگاه‌های عراق، بازار انرژی ترکیه، محاسبات هند و بندرهای خلیج فارس نیز رقم می‌خورد. هنر سیاست اقتصادی ایران این است که در این نقشه پیچیده، هر رابطه را بر پایه واقعیت همان کشور تنظیم کند؛ نه با خوش‌بینی ساده‌لوحانه و نه با بدبینی فلج‌کننده.

شاید مهم‌ترین درس آزمون تازه تحریم‌ها برای ایران این باشد که در اقتصاد جهانی امروز، استقلال با تنوع مسیرها، قدرت تولید، تجارت هوشمند و پیوندهای واقعی متقابل ساخته می‌شود.

021-92 00 00 00

www.respina.net

بدون وقفه کار کنید

پهنای باند اختصاصی رسپینا